



هفته نامه طنز مردم مشهد
شماره روزنامه شهرآر
شماره ششم | تاریخ: ۴ مرداد ۱۳۹۷
palakmoon.tanz

مهدی
استاد احمد

چون که خیلی تجربه اندوخته
درس زیبایی به وی آموخته
پر شده در شهر بعد از این سخن
بوی آدیداس نیمه سوخته

واکنش ایمن آبادی به تحریم از سوی
آدیداس: آدیداس را آتش بزنیم!



احسان که اشک می گرفتی همه عمر...

- همه معمولاً آخر مصاحبه تشکر می کنند. من همین اول اِرت تشکر می کنم.
- با اینکه نمی دونم چرا تشکر می کنی، بهت حق می دم! حالا چرا؟ چون این وقت رو در اختیار گذاشتیم که باهام حرف بزنی؟
- نه، واسه اینکه تو باعث شدی میلیون میلیون آدم به هنر و رسانه علاقه مند بشن.
- حتما واسه خوشگلی!م
- اگه عکسای دوره دبیرستانت رو ندید بگیریم، شاید! صد بار گفتم دست به آلبوم های من نزن!
- اصلاً بحث خوشگلی رو ببندیم چون اینجوری نیمی از جماعت می پرنده! یک عمر هی همه گفتند هنر و رسانه و این قرتی بازی ها پول نداره، ولی به کاری کردی که اقبال عمومی به هنر زیاد شد. همین اسمال معلوم می شه.
- واسه کنکور که همه علم رو ول کنند، آمار داوطلبان دانشکده صدا و سیما می ره بالا. احسان، تو با ما چه کردی؟!
- اگه خوشگلی نباشه، دیگه چه دلیل جذابی می تونه داشته باشه؟!
- همین که دیگه آدم دنبال وام نره، وام بیاد دنبال آدم جذاب نیست؟!
- حالا از عکسای دوره دبیرستان گذشته، خوشگلی هم بی تأثیر نیست، وگرنه پول که چرک کف دسته. این همه زحمت می کشم، ۳۰ تا ماه عسل می سازم، ۳۰ واحد گریه می گیرم، یکهو بازار ارز تکون می خوره، هیچ چی به هیچ چی. انگار نه انگار. انگار ۱۵ تا ماه عسل ساختم! ولی خب ۳۰ تا گریه می شه ۶۰ تا. این یکیش خوبه. ضریبش معکوسه
- ریاضی هم اینجا از قواعد جهانی تبعیت نمی کنه. فرمول هاش بومیه. این ور معادله نصف می شه، اون ورش دوبرابر می شه!
- می خوام یک «ماه عسل» با دوربین های ماهواره ای بسازم. از اون بالا کل ایران رو بگیرم. همه با هم یک نفس گریه کنیم. بهترین زمانش وقتیته که بازار ارز تکون می خوره. بالاخره رسانه واسه همه است. همه باید بتونند توی ماه عسل شرکت کنند، خودشون رو خالی کنند.
- احسان، اگه اجازه بدی، می خوام باز هم اِرت تشکر کنم.
- با اینکه نمی دونم چرا، بهت اجازه می دم! حالا چرا؟!
- تو کاری کردی شأن مجری بره بالا.
- اگه از عکسای دوره دبیرستان بگیریم، خوب اجرا کردن همینه دیگه.



محمدعلی
موشی



محسن
اسدی

محسن هاشمی: اگر لباس شیک و برند بر تن معنادان متجاهر کرده و آن ها را تر و تمیز کنیم می توانند در سطح شهر بچرخند.



جیک و پوک

بی خون

مدیرکل سازمان انتقال خون استان خراسان رضوی: به خط قرمز کمبود ذخایر خونی رسیده ایم.

توی مشهد به طرز داغونی
شده فقط ذخایر خونی

کاش محتاج خون نباشی چون
توی صف بی نتیجه می مونی

وای اگر خون تو اوی منفی است
مرگ می گیردت به آسونی

وقت آن شد که خون قاچاقی
بفروشند داخل گونی

مقصر اصلی

تشدید آلودگی هوای مشهد در پی افزایش دما

چون که افزایش دما بوده
در نتیجه هوا شد آلوده

رفت آمار سکنه هم بالا
چون هوا پر شده است از دوده

پس اگر داشتی نفس تنگی
درمی آید ز تو دل و روده

نیست دکتر درون درمانگاه
پس به آنجا نرو تو بیهوده

نرخ حق وزیتمان بالاست
منشی اش با افاده فرموده

از تکبر مدیر درمانگاه
نخورد با وزیر فالوده

اصلاً اینجا مدیر پاسخگو
هست از حلقه های مقفوده

الغرض این همه سخن گفتم
آنچه از شعر بنده مشهوده

اینکه باشد مقصر اصلی
اوج گرمای فصل تابستان

بعله بی قافیه است آن مصرع
این هم از مشکلات موجوده



ارستان
زمان فشمی

بغض هلیت بی قیمت است

این هفته یکی از رسانه ها به آقای ا. ع. به همراه آقای م. م. مجریان معروف تلویزیون، اتهام مالی زد. آقای م. م. در این باره گفت: «هرچه بیشتر توضیح بدهم بدتر می شود.» اما آقای ا. ع. ابتدا تکذیب کرد و گفت آن ا. ع. من نیستم. سپس بدویدو آمد توی یکی از برنامه های پربیننده صدا و سیما تا از خودش دفاع کند که نشان داد ا. ع. اتفاقاً خود خودش است. گفتنی است رسانه ملی در حالی به او فرصت دفاع داد که پیش از این، دلش نخواسته بود به خیلی های دیگر برای اتهامات وارد شده اجازه دفاع بدهد. چیزی که از دفاع های آقای احسان علیخانی فهمیدیم این بود که بغض های این مجری بسیار بغض کننده واقعاً قیمت ندارد و کمال بی انصافی است رویشان قیمت بگذاریم!



کی از همه عباس جدیدی تره؟

استاد جمشید مشایخی، بازیگر پیش کسوت کشورمان، چندی است بر اثر بیماری در بیمارستان بستری است. در همین هفته، هرکدام از چهره ها و هنرمندان با دوربینی در دست، خود را به تخت این هنرمند باسابقه رساند و مسابقه «کی از همه عباس جدیدی تره» راه انداختند. در همین راستا، یکی از پرستاران از این هنرمندان عزیز که هر کدام با رُستی متفاوت به تخت استاد چسبیده بود خواست: «۲ دقیقه سلفی نگیرید دست کم بشود سرم استاد را عوض کرد.» یکی از هنرمندان که ۳۱۶ تا سلفی با تخت گرفته بود، ضمن ابراز نارضایتی از زاویه افق بدنش توی عکس ها، از استاد خواست حاضر شود ۳۱۶ سلفی را از وی بگیرند. این در حالی بود که یک دیالوگ «ببین چه جور اسیر شدیم» توی نگاه استاد در همه عکس ها موج می زد.

